◆ یادداشت ◆

بانک مشترک آری، ارز مشترک نه

ابراهیم نکو*

در دورانی که سلطه‌گران غربی تلاش می‌کنند تا ملت‌های آزاده را از طریق تحریم‌های اقتصادی تحت فشار قرار دهند دولت‌ها باید کنار ملت‌هایشان قرار بگیرند و بدانند که آنها کاری از پیش نخواهند برد. در این میان فرصت اجلاس عدم تعهد می‌تواند برای کشورهایی که خود را از جبهه استعمار جدا کرده‌اند بهترین فرصت باشد تا با افزایش قدرت اقتصادی این ابزار را هم از دشمنان بگیرند. برای ورود به یک دوران طلایی در اقتصاد و ایجاد ثبات در اقتصاد کشورهای عضو جنبش غیرمتعهد در یک اقدام فوری و با نیت تاثیرگذاری در اقتصاد باید بانک مشترک ایجاد شود. زمان فعلی برای تاسیس بانک مشترک مناسب است و با توجه به شرایط اقتصادی و سیاسی بین‌الملل، لازمه رسیدن اعضای جنبش غیرمتعهدها به اهداف مشترک تاسیس بانک مشترک است. جنبش عدم تعهد برای پایداری و ادامه حیات نیازمند تهیه برنامه مشترک در بلندمدت هستند اعضای این جنبش به عنوان یک جنبش بزرگ و تاثیرگذار با ایجاد بانک مشترک می‌توانند یک قطب اقتصادی بلامنازع باشد و حرکت نوینی را در اقتصاد ایجاد کنند. نباید از این نکته نیز غافل باشیم که سود ایجاد بانک مشترک به جیب همه اعضا خواهد رفت و موجب شکوفایی اقتصاد کل جهان خواهد شد و مبادلات اقتصادی کشورهای عضو را روانتر خواهد کرد. به جرات می‌توان گفت تاسیس و فعالیت بانک مشترک کشورهای عضو جنبش عدم تعهد انقلاب اقتصادی ایجاد می‌کند. نکته بعدی پس از تصویب شکل‌گیری بانک و نهادهای مالی مشترک ساختار، نحوه تشکیل و مکان آنهاست. در این باره که بانک کجا تاسیس شود باید تصمیم جمعی گرفت و ریاست آن هم مانند اوپک می‌تواند دوره‌ای باشد. با این حال تشکیل پول واحد برای اعضای این جنبش با توجه به کثرت کشورهای عضو بعید است و حداقل تا چند دهه دیگر امکان‌پذیر نیست اما انجام این کار در تسهیل مبادلات اقتصادی موثر خواهد بود. پول واحد تاثیرات منفی هم می‌تواند داشته باشد و ممکن است تورم شدید ایجاد کند. ایجاد واحد پول مشترک پیش زمینه‌های خاص خود را می‌خواهد و با توجه به این که پول ملی کشورها را تحقیر می‌کند به نظر می‌رسد ایجاد آن صحیح نیست.

*نماینده مردم رباط کریم و بهارستان

راه‌اندازی ۲ خط لوله جدید صادرات گاز

معاون وزیر نفت از آغاز بهره‌برداری ۲ خط لوله جدید گاز صادراتی ایران در سال ۹۲ خبر داد و اعلام کرد: با مشارکت بانک‌ها فاینانس ۳۴۰۰ میلیارد تومانی ۴ پروژه جدید گازی تامین شده است. جواد اوجی در گفت‌وگو با مهر درباره آخرین وضع توسعه صنعت گاز ایران، گفت: در حال حاضر ظرفیت انتقال گاز ایران با برخورداری بیش از ۳۴ هزار کیلومتر خط لوله و ۶۹ تاسیسات تقویت فشار گاز به بیش از ۷۰۰ میلیون مترمکعب در روز افزایش یافته است. مدیرعامل شرکت ملی گاز با اعلام این که با اشاره به راه‌اندازی ۶۹ تاسیسات تقویت فشار گاز، تصریح کرد: همزمان با ساخت و راه‌اندازی خطوط لوله و تاسیسات جدید تقویت فشار گاز، گازرسانی‌های گسترده‌ای به شهر، روستاها، نیروگاه و واحدهای صنعتی انجام شده است.

راهکارهای حمایت از تولید ملی در گفت‌وگوی وحید محمودی با «ملت ما»

بهینه‌سازی صنایع سه برابر ظرفیت موجود شغل ایجاد می‌کند

◆ تامین منابع مالی صنایع از طریق بازار سرمایه امکان‌پذیر است

◆ ایجاد صنایع جدید لزوما به بهبود اقتصاد کمک نمی‌کند

◆ ورشکستگی صنایع به‌دلیل عدم تخصیص منابع مالی نیست

◆ دستیابی به تکنولوژی‌های جدید بهترین راه پیشرفت صنایع است

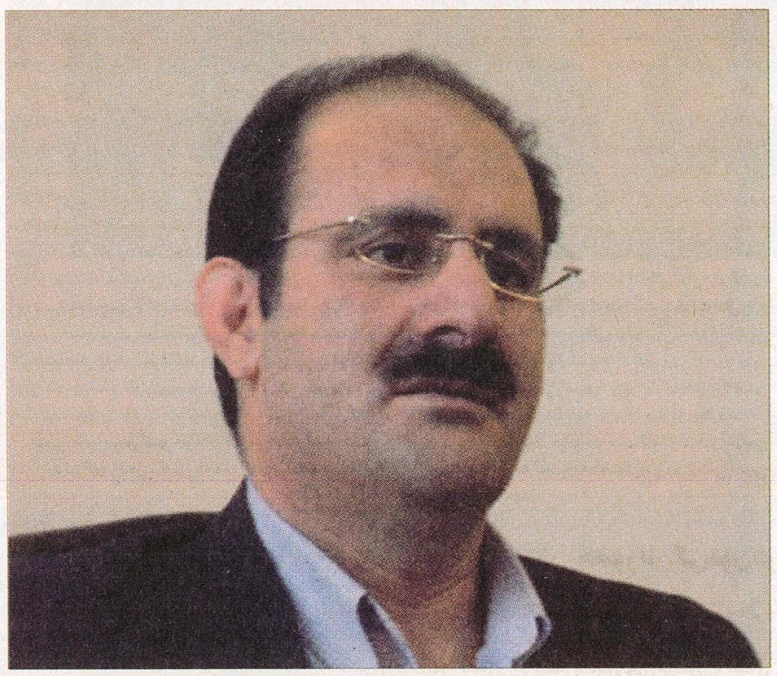

نامگذاری سال‌های اخیر که تماما جنبه اقتصادی داشته است بیانگر این نکته است که اقتصاد کشور نیازمند توجه ویژه‌ای است لازمه مقابله با تحریم‌های غرب علیه کشور در شرایط حاضر نگاه جدی به بحث اقتصاد و خودکفایی داخلی است چرا که وابستگی به غرب در این شرایط تنها به شدید شدن تحریم‌ها بر علیه ایران کمک می‌کند بنابراین توجه به تولید ملی و صنایع داخلی در فضای فعلی بسیار حائز اهمیت است در این خصوص با وحید محمودی اقتصاددان و استاد دانشگاه گفت‌وگویی انجام دادیم وی که دارای دکترای علوم اقتصادی گرایش توسعه و برنامه‌ریزی اقتصادی، Essex انگلستان است به بررسی زوایای مختلف حمایت از تولید ملی پرداخت.

یکی از موضوعاتی که مطرح است حمایت از بنگاه‌های اقتصادی و صنایع داخلی در سال تولید ملی است با توجه به نامگذاری امسال تحت عنوان سال حمایت از تولید آیا بهتر است بنگاه‌های جدیدی را تاسیس کنیم تا بتوانیم ارزش‌افزوده و اشتغال جدید ایجاد کنیم یا این که باید بنگاه‌های موجود را به ظرفیت بهینه برسانیم؟

یکی از مشکلاتی که در حاضر با آن مواجه هستیم این است که بنگاه‌های ما زیر ظرفیت بهینه کار می‌کنند در نتیجه قیمت تمام شده آنها نسبت به رقبا بیش‌تر می‌شود و باید کالای خود را گران‌تر بفروشند و در نتیجه بعضا مجبور می‌شوند از صنعت خارج شوند. به عبارتی متوسط هزینه هر واحد تولیدی از آن چیزی که باید باشد بیش‌تر است و این موضوع سبب می‌شود که بنگاه‌های ما در ادامه روند خود با مشکل مواجه شوند. طبق برآوردهای کارشناسی اگر بتوانیم بنگاه‌های موجود را به ظرفیت بهینه برسانیم سه برابر اشتغال موجود، شغل جدید ایجاد می‌شود چرا که در حال حاضر بالای ۹۵ درصد از بنگاه‌های صنعتی زیرظرفیت بهینه کار می‌کنند و فقط ۲۵ درصد از بنگاه‌های ما نزدیک ظرفیت بهینه کار می‌کنند. بنابراین سیاست‌گذاران صنعتی به جای این که تمام هم و غم خود را صرف ایجاد بنگاه‌های جدید کنند باید صرف بررسی آن کنند که چرا ۹۵ درصد بنگاه‌های صنعتی ما زیر ظرفیت بهینه کار می‌کند و کمک کنند تا بنگاه‌ها به ظرفیت بهینه نزدیک شوند.

وضع صنایع داخلی ما به این شکل است که امکان بهینه‌سازی آن وجود داشته باشد؟

همان‌طور که می‌دانیم یکی از مهم‌ترین موضوعات در هدفمندسازی یارانه‌ها، این بود که اگر قیمت حامل‌های انرژی واقعی شود اتلاف منابع کاهش می‌یابد و تخصیص بهینه منابع بهتر می‌شود. ولی بنگاه‌های ما برای این که بتوانند تخصیص بهینه منابع داشته باشند باید هزینه‌های تولیدشان را کاهش دهند و برای کاهش هزینه‌های تولید باید تکنولوژی خود را اصلاح کنند و تکنولوژی‌ها جدیدی را به خدمت بگیرند تا هزینه‌های تولید و مصرف انرژی کاهش یابد. بنابراین اگر در قالب حمایت از تولید، کمک شود تا اصلاح تکنولوژی صورت بگیرد، هم به نفع بنگاه‌های صنعتی و هم به نفع کلیت اقتصاد است که با این کار مصرف انرژی کاهش پیدا می‌کند و از طرف دیگر بنگاه‌ها هم منطقی‌تر و اصولی‌تر حرکت می‌کنند و دوام بیش‌تری خواهند داشت. گفتنی است که صنایع به لحاظ تکنولوژیکی به چهار دسته تقسیم می‌شوند. صنایع‌هایتک، مدیوم تک، لوتک و ریسورس بیس. اما براساس برآوردها تنها سه درصد از بنگاه‌های ایران‌هایتک است و این موضوع نشان‌دهنده این است که وضع بنگاه‌های ما به لحاظ مبانی علم فنی تولید در وضع خوبی نیست و به‌شدت نیازمند تحول در مبانی علمی و فنی تولید هستیم و باید طی یک بازده زمانی سهم صنایع‌هایتک را افزایش دهیم تا بتوانیم به هدف حمایت و اصلاح تولید برسیم.

ورود بنگاه‌های اقتصادی جدید را در این شرایط چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به عبارت دیگر پرواضح است که با ورود بنگاه‌های جدید به صنعت انتظار بر این است که این بنگاه‌ها بتوانند نقش خود را در ایجاد ارزش‌افزوده و اشتغال ایفا کنند. اگرچه شروع فعالیت هر بنگاه جدید ایجاد ارزش‌افزوده و اشتغال را در پی دارد اما این اشتغال زمانی پایدار است و می‌تواند به توسعه صنعت کمک کند که از حیات کافی برخوردار باشد. یکی از مهم‌ترین موضوع در اقتصاد صنعتی، مقوله حیات بنگاه‌هاست.

به عبارت دیگر صرف این که بنگاه‌های اقتصادی جدید راه‌اندازی کرد الزاما کمکی به اقتصاد ملی نمی‌کند. آیا این بنگاه‌ها می‌توانند کیک اقتصاد را بزرگ و ارزش‌افزوده ایجاد کنند و سطح اشتغال را بالا ببرند. امید به زندگی یا حیات در توسعه صنعت بسیار مهم است، به این معنی است که امید به زندگی هر بنگاه تازه‌تاسیس چقدر است و هرچه این امید به زندگی طولانی‌تر باشد، می‌تواند نقش اساسی خود را در ایجاد ارزش افزوده اقتصادی و اشتغال ایفا کند.

در این شرایط که بنگاه‌های اقتصادی و صنایع داخلی با مشکل کمبود نقدینگی مواجه هستند عدم همکاری بانک‌ها برای تامین مالی بخش صنعت و تولید به یکی از مشکلات اصلی در سر راه تولید ملی بدل شده است نظر شما در این باره چیست؟

بررسی‌ها نشان می‌دهد، دلایل ورشکستگی و خروج بنگاه‌ها به تامین مالی برنمی‌گردد بلکه عدم لوکیشن مناسب و عدم دسترسی به تکنولوژی صحیح موجب خروج بنگاه‌ها می‌شود. شاید یکی از دلایل خروج بنگاه‌ها در کشور ما ناشی از این است که اساسا این ذهنیت وجود دارد که اگر یک مجموعه بتواند از شبکه بانکی تسهیلات بگیرد، مشکل اصلی برای ایجاد یک بنگاه‌های جدید حل می‌شود و این بنگاه می‌تواند به حیات خود ادامه دهد. صرف این که یک بنگاه تامین مالی شود و نهادهای مالی مثل بانک‌ها به یک مجموعه اقتصادی کمک کنند، کافی نیست.

بالا بودن نرخ سود بانکی نیز موضوع دیگری است که موجب آسیب به تولید و صنعت شده است، شما به عنوان یک کارشناس اقتصادی این موضوع را تایید می‌کنید؟

عموما افزایش نرخ سود بانکی علامت خوبی در اقتصاد نیست و نرخ سود بانکی باید به صورت تدریجی و منطقی کاهش یابد. نرخ سود بانکی در نظام اقتصادی ما در مقایسه با سایر کشورها بالاست.

با توجه به این که اقتصاد ما یک اقتصاد بانک پایه هستیم و تامین مالی فقط از طریق بانک‌ها صورت می‌گیرد، بنابراین وقتی نرخ سود بانکی افزایش پیدا کند، هزینه تامین مالی بنگاه‌ها نیز افزایش می‌یابد و این موضوع روی حاشیه سود آنها هم تاثیر می‌گذارد. با توجه به موارد ذکر شده باید گفت هزینه پول در نظام مالی تعیین‌کننده این است که بانک‌ها با چه نرخی می‌توانند تسهیلات بدهند. اگر هزینه پول در اقتصاد ما به دلایل شرایط تورمی بالا برود به‌طور طبیعی بانک‌ها هم برای این که بتوانند به حمایت خود ادامه دهند باید سود منطقی دریافت کنند. در شرایط موجود با توجه به نرخ تورم و هزینه فرصت پول در بازارهای مختلف نرخ سود بانکی بالا نیست، یعنی شما اگر نرخ حقیقی تسهیلات و سپرده را بررسی کنید متوجه خواهید شد که با توجه به نرخ تورم موجود نرخ تسهیلات بانکی بالا نیست. اما اگر دولت بتواند با راهبردهای صحیح و منطقی تورم را کنترل کند بالطبع کنترل تورم امکان کاهش نرخ سود بانکی هم وجود دارد. وقتی تورم کنترل شود، نرخ حقیقی سپرده مثبت می‌شود چراکه پولی که به‌طور عمده در دست بانک‌هاست منابع سپرده‌ای است و این منابع هم متعلق به مردم است و بانک‌ها نمی‌توانند این منابع را ارزان در اختیار بخش‌های مختلف قرار دهند زیرا فردی که در بانک سپرده‌گذاری می‌کند، فرصت‌های دیگر هم برای سرمایه‌گذاری داشته ولی سپرده خود را در اختیار بانک قرار داده است و بانک هم باید آورده حقیقی مثبتی برای سپرده‌گذار داشته باشد که این هم برمی‌گردد به این که ما نرخ سود را طوری تعیین کنیم که برای آن فرد اقتصادی باشد، یعنی قدرت خرید پولش کاهش پیدا نکند.

با این اوصاف وقتی تورم در اقتصاد ۲۵ درصد است چرا باید بانک‌ها که یک واسطه‌گر مالی هستند تسهیلات با نرخ ۲۰ درصد یا پایین‌تر بدهند ولی اگر تورم ۱۴ درصد شود شبکه بانکی این امکان را دارد که نرخ تسهیلات خود را کاهش دهد.

با توجه به مشکلات بانک‌ها در تامین منابع مالی برای صنایع چه راهکاری پیشنهاد می‌دهید تا بنگاه‌های اقتصادی دچار مشکل نشوند؟

متاسفانه در کشور ما این ذهنیت وجود دارد که تامین مالی بخش تولید فقط از طریق سیستم بانکی است. اما در دنیا سهم بانک‌ها در تامین مالی بالا نیست و عمده سهم تامین مالی توسط بازار سرمایه انجام می‌گیرد در صورتی که در اقتصاد ما تمام فشارها و بارهای تامین مالی اقتصاد برعهده بانک‌هاست، بنابراین ما یک اقتصاد بانک پایه هستیم تا بازار پایه. به همین دلیل بازار سرمایه و شرکت‌های تامین سرمایه باید رشد پیدا کند تا این توازن و تعادل در اقتصاد ما هم به وجود بیاید که بخش تولید بتواند نیاز مالی خود را با ابزارهای مالی جدید از طریق بازار سرمایه تامین کند. وقتی نسبت تسهیلات به سپرده‌های بانک‌ها بالای صد درصد است یعنی آنها تمام توان خود را به کار گرفته و تسهیلات دادند ولی این کافی نیست یا به عبارتی توان شبکه بانکی فراتر از این نیست. سیاست‌های انبساطی پولی و تورم، هدفمندی یارانه‌ها، تحریم‌های بین‌الملل، مجموع مسائل و مشکلات محیطی کسب‌وکار و بالا بودن هزینه مبادلات در اقتصاد، هزینه‌های مضاعفی را بر بنگاه‌ها تحمیل می‌کند و بنگاه‌ها در این شرایط با مشکل تامین مالی مواجه می‌شوند.

به همین دلیل ما باید به شکلی نظام تدبیر اقتصادمان را ساماندهی کنیم که این فشارها بر بخش تولید کاهش یابد تا این بخش نیاز به تامین مالی جدید نداشته باشد و خود بتواند مدیریت تامین مالی کند. همچنین ابزارهای مالی جدیدی را وارد چرخه خدمت‌دهی تامین مالی کنیم تا بازار سرمایه هم در کنار بانک‌ها نقش خود را به تدریج ایفا کند.

بسته شدن اعتبارات اسنادی (LCها) در سال جاری تا چه اندازه‌ای به مشکلات تولید دامن می‌زند؟

بخش عمده‌ای از هزینه‌هایی که بر بخش تولید تحمیل می‌شود، هزینه‌های کسب‌وکار و مبادله است.

بنابراین یکی از وظایف دولت‌ها این است که هزینه مبادله و کسب‌وکار را به حداقل ممکن برسانند. برآوردها نشان می‌دهد که هزینه‌های کسب‌وکار یعنی مجموع هزینه‌هایی که خارج از اراده بنگاه‌هاست در اقتصاد ما حدود ۴۰ درصد است در صورتی که در بسیاری از کشورها که در سند چشم‌انداز رقیب ما هستند یا کشوری مثل مالزی، ترکیه هزینه کسب‌وکار زیر ۱۰ درصد است.

از سوی دیگر یکی از دلایل بالا بودن هزینه کسب‌وکار در کشورمان، تحریم‌های بین‌المللی است و این تحریم روی همه وجوه ارتباطی بنگاه‌ها در سطح بین‌الملل اثر می‌گذارد اعم از این که بنگاه‌ها بخواهند نیازهای خود و مواد اولیه را از خارج وارد کنند یا این که بخواهند محصولات خود را صادر کنند. در این میان، یکی از ابزارهای مبادله و مراوده بنگاه‌های ما با جهان بیرون، ابزار اعتبارات اسنادی یا LC است که قفل شدن آن مشکلات عدیده‌ای را برای صنعت ما ایجاد کرده و عملا بانک‌های ما در زمینه ارایه خدمت با مشکل کرده است. به همین دلیل این شبهه برای بخش صنعت و تولید به وجود آمده که بانک‌ها همانند گذشته با ما همکاری نمی‌کنند در صورتی که بانک‌های تجاری که ارایه‌کننده خدمت LC هستند به دلیل منفعت خود تمایل به ارایه این خدمت دارند ولی امکان انجام این کار از آنها سلب شده است. البته در حال حاضر شبکه بانکی ما با روش‌های مختلف تلاش می‌کند که خدمات مختلف خود را ارایه کند ولی بسته شدن LC ها آثار قابل ملاحظه‌ای را بر بخش تولید به جای گذاشته در واقع این مطالبه‌ای است که بخش تولید و مشخصا بخش صنعت باید از دولتمردان داشته باشند که این موضوع را حل کنند چراکه این موضوع در حوزه سیاست با دیپلماسی سیاسی و مذاکرات سیاسی قابل حل است نه در حوزه راهکارهای اقتصادی. تا آنجایی که مسیرهای اقتصادی اجازه داده است شبکه بانکی تلاش خود را کرده است اما این مشکل همچنان وجود دارد.

◆ تلنگر

مرکز آمار اعلام کرد

۶۶/۳۴ درصد سرپرستان خانوار شاغل هستند

درآمد یک خانوار شهری در سال ۸۹ به میزان حداقل ۶ و حداکثر ۱۶ میلیون تومان و درآمد یک خانوار روستایی نیز حداقل ۴/۸ و حداکثر ۱۱/۶ میلیون تومان اعلام شد. بررسی جدیدترین گزارش مرکز آمار ایران از وضعیت هزینه و درآمد خانوارهای شهری در سال ۸۹ نشان می‌دهد که متوسط افراد شاغل خانوارهای نمونه‌گیری شده ۰/۹۹ نفر و متوسط تعداد افراد دارای درآمد ۱/۴۱ نفر بوده است. همچنین خانوارهای با یک نفر شاغل با سهم ۵۷/۴۹ درصد از کل خانوارهای نمونه بیش‌ترین و خانوارهای دارای ۵ نفر شاغل و بیش‌تر با ۰/۲۷ درصد کمترین تعداد خانوارها را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین ۲۴/۳۹ درصد از خانوارها نیز بدون فرد شاغل بوده‌اند. بر اساس این گزارش، ۶۶/۳۴ درصد از کل سرپرستان خانوار بررسی شده در سال ۸۹ شاغل و ۱/۸۸ درصد نیز بیکار بوده‌اند. همچنین ۲۹/۷۹ درصد درآمد بدون کار داشته‌اند، ۰/۱۴ درصد محصل و ۰/۸۴ درصد نیز خانه‌دار بوده‌اند. در مقایسه با آمار سال ۸۸ تفاوت‌هایی در این بخش وجود دارد به نحوی که ۶۷/۵۸ درصد از سرپرستان خانوار در سال ۸۸ شاغل و ۲/۶۸ درصد بیکار بوده‌اند. همچنین ۲۷/۷۱ درصد در این سال درآمد بدون کار داشته‌اند و ۰/۱۹ درصد محصل و ۰/۷۸ درصد هم خانه‌دار بودند. طی سال ۸۹ بررسی ۱۸ هزار خانوار نشان داد که ۱۲/۵۶ درصد در بخش عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل موتوری و موتوسیکلت‌ها، کالاهای شخصی و خانگی اشتغال داشته‌اند. ۱۰/۵۶ درصد در صنعت، ۱۰/۳۴ درصد در ساختمان، ۱۰/۰۲ درصد در حمل و نقل، ارتباطات و انبارداری، ۵/۰۹ درصد در اداره امور عمومی، دفاع و تامین اجتماعی اجباری، ۴/۳۰ درصد در کشاورزی، شکار و جنگلداری، ۳۳/۶۶ درصد غیرشاغل و ۱۳/۴۸ درصد نیز در دیگر فعالیت‌های اقتصادی بوده‌اند. ۵/۴۶ درصد جامعه آماری در سال ۸۹ کارفرما، ۲۱/۷۲ درصد کارکن مستقل، ۱۱/۹۴ درصد مزد و حقوق‌بگیر عمومی، ۰/۱۴ درصد مزد و حقوق بگیر تعاونی، ۲۷/۰۵ درصد مزد و حقوق‌بگیر خصوصی، ۰/۰۳ درصد کارکن فامیلی بدون مزد و ۳۳/۶۶ درصد نیز غیرشاغل بوده‌اند. همچنین طبق نتایج به دست آمده، متوسط درآمد اظهار شده سالانه یک خانوار شهری در سال ۸۹ برابر با ۱۰ میلیون و ۶۱۵ هزار و ۵۹۷ ریال بوده است که نسبت به سال قبل‌تر از آن به میزان ۱۳/۴ درصد رشد داشته است. بررسی منبع تامین درآمد خانوارهای شهری نشان می‌دهد که ۴۹/۴ درصد درآمد از محل درآمدهای متفرقه، ۳۳ درصد از مشاغل مزد و حقوق‌بگیری و ۱۷/۶ درصد از مشاغل آزاد کشاورزی و غیرکشاورزی خانوار، تامین شده است. خانوارهایی که فعالیت اصلی آنها استخراج معدن بود درآمد سالانه خود را ۱۶ میلیون و ۹۷۷ هزار و ۵۸۲ ریال اعلام کردند. کمترین میزان درآمد سالانه نیز مربوط به گروه خانوارهای معمولی دارای مستخدم بود که درآمد اظهار شده سالانه آنها ۶ میلیون و ۵۹۰ هزار و ۵۹۶ تومان اعلام شد. همچنین ترکیب درآمد سالانه یک خانوار شهری در سال ۸۹ نشان می‌دهد که ۳۳ درصد افراد دارای درآمد از بخش حقوق بگیری بوده‌اند، ۴۹/۴ درصد از درآمدهای متفرقه و ۱۷/۶ درصد نیز از مشاغل آزاد کسب درآمد کرده‌اند.

◆ دیگران

زنگ خطر برای اروپای صنعتی

شاخص اعتمادتجاری آلمان در سراشیبی

گروه اقتصادی – اروپایی‌ها این روزها با روایی که در سر می‌پرورند اند فاصله‌ای جدی دارند و دامنه بحران اقتصادی تا کشورهای ایتالیا، اسپانیا و پرتغال هم رسیده است. اگرچه کشورهای توسعه یافته و صنعتی نظیر آلمان، فرانسه و انگلستان هنوز به بحران نرسیده‌اند اما اخراج گسترده کارگران از بنگاه‌های اقتصادی بزرگی نظیر پژو نشان می‌دهد صدای زنگ خطر بلندتر از آن است که کسی بخواهد آن را نشنیده بگیرد.

آلمان که به عنوان یکی از ۲۰ قدرت برتر اقتصادی جهان شناخته می‌شود این روزها این خطر را به خوبی حس می‌کند. شاخص اعتماد تجاری در آلمان طی ماه آگوست کاهش یافت و به پایین‌ترین رقم در دو سال و نیم اخیر رسید. بحران مالی و بدهی منطقه یورو تاثیر منفی زیادی بر اعتماد تجاری و بازرگانی آلمان داشته است. بر اساس گزارشی که فرانس پرس منتشر کرد، موسسه تحقیقاتی آیفو اعلام کرد شاخص اعتماد تجاری آلمان در ماه آگوست به کمتر از ۱۰۲/۳ واحد رسیده است. این رقم در ماه آوریل به ۱۰۳/۲ واحد رسیده بود. بر این اساس، این چهارمین ماه متوالی است که شاخص اعتماد تجاری آلمان با کاهش روبه‌رو شده است. اعتماد تجاری آلمان در ماه آگوست به پایین‌ترین حد خود از آوریل ۲۰۱۰ میلادی رسیده است. موسسه تحقیقاتی زد دبلیو ئی آلمان در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرد شاخص اعتماد سرمایه‌گذاری در این کشور طی ماه آگوست به منفی ۲۵/۵ واحد رسیده است. این رقم در ماه قبل از آن به منفی ۱۹/۵ واحد رسیده بود. بر اساس این گزارش کارشناسان اقتصادی پیش از این افزایش این شاخص را در ماه اوت پیش‌بینی کرده بودند. موسسه آمار آلمان نیز در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرد رشد اقتصادی این کشور در سه ماه دوم امسال به کمتر از ۰/۳ درصد رسیده است. این رقم در سه ماه نخست ۲۰۱۲ میلادی به ۰/۵ درصد رسیده بود. موسسه آمار آلمان اعلام کرد رشد اقتصادی این کشور در سه ماه دوم ۲۰۱۲ به کمتر از ۰/۳ درصد رسیده است. روز گذشته همچنین موسسه رتبه‌بندی استاندارد اند پورز پیش‌بینی کرد رشد اقتصادی منطقه یورو در سال ۲۰۱۲ میلادی بیش از ۰/۶ درصد کاهش خواهد یافت. بحران بدهی و مالی منطقه یورو تاثیر منفی زیادی بر رشد اقتصادی منطقه یورو در سال ۲۰۱۲ خواهد داشت. بر این اساس، کاهش رشد اقتصادی منطقه یورو بیش‌تر از رکود اقتصادی است که کارشناسان اقتصادی اواسط جولای در نظر سنجی رویترز برای منطقه یورو پیش‌بینی کرده بودند.

کارشناسان اقتصادی در نظر سنجی ماه جولای رویترز کاهش ۰/۴ درصدی رشد اقتصادی منطقه یورو را پیش‌بینی کرده بودند. موسسه استاندارد اند پورز در ادامه افزود، رشد اقتصادی منطقه یورو طی سال آینده به بیش از ۰/۴ درصد خواهد رسید. این رقم در گزارش قبلی این موسسه یک درصد پیش‌بینی شده بود.

ژان مایکل سیکس کارشناس ارشد موسسه اس‌اند پی تاکید کرد احتمال وقوع مجدد رکود اقتصادی در منطقه یورو در سال ۲۰۱۳ میلادی بیش از ۴۰ درصد است. موسسه اس‌اند پی در ادامه پیش‌بینی کرد رشد اقتصادی آلمان بزرگ‌ترین اقتصاد منطقه یورو نیز امسال به ۰/۶ درصد خواهد رسید و این رقم در سال ۲۰۱۳ میلادی نیز به بیش از ۱/۴ درصد می‌رسد.

بر این اساس رشد اقتصادی فرانسه دومین اقتصاد بزرگ منطقه یورو نیز امسال به کمتر از ۰/۳ درصد و سال آینده نیز به ۰/۷ درصد می‌رسد. این گزارش حاکی است رشد اقتصادی ایتالیا نیز امسال با افت ۲/۱ درصدی روبه‌رو خواهد شد و این رقم در سال ۲۰۱۳ میلادی نیز بیش از ۰/۴ درصد کاهش خواهد یافت.

موسسه اس اند پی افزود رشد اقتصادی اسپانیا نیز امسال با کاهش ۱/۷ درصدی و سال آینده نیز با افت ۰/۶ درصدی روبه‌رو خواهد شد. در خارج از منطقه یورو نیز رشد اقتصادی انگلیس امسال به ۰/۳ درصد و سال آینده نیز به یک درصد خواهد رسید.

◆ اخبار کوتاه

رونمایی از ۹ سد مخزنی در هفته دولت

سرپرست معاونت آب و آبفای وزارت نیرو از بهره‌برداری ۹ سد مخزنی در هفته دولت امسال خبر داد و گفت: این سدها شامل طرح‌های بزرگی چون سد مخزنی ارس ۲، شهید مدنی و باختر است. علیرضا دایمی افزود: در بخش آب و آبفای وزارت نیرو یک هزار میلیارد تومان طرح برای هفته دولت آماده بهره‌برداری است. معاون وزیر نیرو همچنین خبر داد که به مناسبت هفته دولت، ۷ تصفیه خانه بزرگ آب، ۱۲ خط آبرسانی و ۲۳ هزار هکتار شبکه زهکشی آبیاری آماده راه‌اندازی است.

چکیده اقتصاد مقاومتی توجه به بخش خصوصی است

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس با بیان این که ملزومات اقتصاد مقاومتی مانند یک زنجیر به هم پیوسته است، گفت: چکیده اقتصادمقاومتی، توجه به بخش خصوصی است. سیدمحمدحسین میرمحمدی با اشاره به ملزومات اقتصاد مقاومتی که از سوی رهبر انقلاب در دیدار با هیئت دولت مطرح شد، گفت: با توجه به مولفه‌های مطرح شده از طرف ایشان، چکیده اقتصاد مقاومتی، توجه به بخش خصوصی است و اگر کار اقتصادی به دست مردم انجام شود، کارها خیلی راحت انجام می‌شود.

اولویت‌های راه‌اندازی بورس ارز چیست؟

معاون اسبق بانک مرکزی با بیان این که راه‌اندازی بورس ارز، مقدمه‌ای بر اجرای سیاست نرخ ارز شناور مدیریت شده است، گفت: محدودیت در واردات کالاها، عدم تاثیرگذاری سیاست‌های اقتصاد کلان از ناحیه نوسان درآمدهای نفتی از مهم‌ترین اولویت‌های عملیاتی کردن راه‌اندازی بورس ارز برای ایجاد ثبات در این بورس خواهد بود. اکبر کمیجانی با اشاره به تصمیم جدید دولت درباره راه‌اندازی بورس ارز، به ایلنا گفت: عملیاتی شدن این اقدام به صورت منسجم، می‌تواند اقتصاد کشور را از تبعات نرخ‌های چند گانه ارز که همیشه همراه با رانت و اختلالات قیمتی بوده، برهاند.

◆ درنگ

آیا همکاری پتروشیمی ایران و مصر می‌تواند نتیجه‌بخش باشد؟

توقف ارزان‌فروشی گاز به اسرائیل

گروه اقتصادی – در حالی اجلاس سران جنبش عدم تعهد (نم) در تهران در حال برگزاری است که «سیاست» اصلی‌ترین کانون تمرکز این اجلاس محسوب می‌شود. در این میان، یکی از ظرفیت‌های بالقوه موجود میان کشورها، یافتن بسترهای مناسب برای بهبود فعالیت‌های اقتصادی مشترک با انگیزه افزایش درآمدزایی ملی است. در این میان، با عنایت به این که برخی کشورهای عضو این اجلاس دارای ظرفیت مناسبی در حوزه انرژی هستند، شاید بتوان ادعا کرد که پتانسیل‌های مهم اقتصادی در این حوزه متمرکز شده است.

در این باره، فارس روز گذشته در گزارشی نوشت: «ایران و مصر ظرفیت‌های کلان مشترکی در حوزه نفت و گاز دارند که پیش از این تنها بخش اندکی از آن مورد استفاده قرار گرفته است.» بر اساس این گزارش، ایران در بندر سیدی کریر مصر مخازن صادراتی نفتی در اختیار دارد و از طریق آن بخشی از نفت تولیدی خود را صادر می‌کند. بخش بزرگی از نفت صادراتی ایران به مقصد اروپا در سیدی کریر بارگیری می‌شود. با این وجود کمتر کسی است که می‌داند مصر صاحب منابع قابل توجه گاز و مرکزیت در این حوزه است.

مصر بر اساس قراردادهای منعقده در دوران مبارک بخشی از گاز تولیدی خود را با یک پانزدهم ارزش واقعی به رژیم صهیونیستی صادر می‌کند، اما مصری‌ها از این مسئله راضی نیستند و انفجارهای متعدد در مسیر خط لوله صادراتی گاز به رژیم صهیونیستی شاهد خوبی در این زمینه محسوب می‌شود.

بر این اساس با توجه پتانسیل‌های کشورمان در حوزه صنعت پتروشیمی، امکان سرمایه‌گذاری مشترک ایران و مصر برای ایجاد واحدهای بزرگ تولیدکننده محصولات پتروشیمی گازی در مصر وجود دارد. چنین سرمایه‌گذاری‌هایی علاوه بر منافع مستقیمی که برای سرمایه‌گذاران دارد، باعث تحکیم پیوندهای دو جانبه شده و دو کشور را از منافع جانبی زیادی نیز برخوردار می‌کند. چنان که گاز مصر با ارزش افزوده تبدیل به محصولاتی چون متانول، اوره و آمونیاک می‌شود و جزو منافع صادراتی و ارزآوری، به اقتصاد کشاورزی مصر نیز از طریق تامین کود شیمیایی کمک می‌کند. از سوی دیگر سرمایه‌گذاران ایرانی علاوه بر صادر کردن خدمات فنی و مهندسی ایجاد واحدهای پتروشیمی در مصر و صادرات کالاهای مورد نیاز برای ایجاد این واحدها، خواهند توانست از قیمت‌های مناسب گاز در این کشور نیز استفاده کنند. به علاوه کارشناسان حوزه پتروشیمی معتقدند بازار بکر آفریقا به وسیله سرمایه‌گذاری در مصر قابل دسترس خواهد بود و محصولات این سرمایه‌گذاری مشترک به‌راحتی به فروش خواهد رسید.

جز باز کردن بازارهای جدید در آفریقا این نکته نیز باید مورد توجه قرار بگیرد که در شرایط فعلی صادرات محولات پتروشیمی‌های گازی به‌ویژه متانول که حجم زیادی دارد از ایران با مشکلاتی مواجه شده و تقریبا به نصف کاهش یافته است و سرمایه‌گذاری برای ایجاد واحدهای جدید تولید متانول یا دیگر محصولات پتروشیمی گازی از امتیاز تجارت آسان این حوزه بهره خواهند برد.

در عین حال این سرمایه‌گذاری به اشتغالزایی در مصر نیز کمک خواهد کرد و از وابستگی این کشور بزرگ اسلامی به کمک‌های خارجی خواهد کاست. مصر در حال حاضر سالانه یک یا ۲ میلیارد دلار کمک بلا عوض تنها از امریکا دریافت می‌کند و قطع این کمک‌ها به اقتصاد مصر آسیب‌های قابل توجهی وارد می‌کند. با کم شدن نیاز مصر به چنین کمک‌هایی از سوی کشورهای مختلف، امکان همگرایی‌های منطقه‌ای و جهانی بین اقطاب بزرگ قدرت در جهان اسلام از جمله ایران و مصر فراهم‌تر می‌شود.

بر این اساس و با توجه وجود منافع دو جانبه قابل توجه در سرمایه‌گذاری مشترک ایران و مصر در حوزه پتروشیمی، به نظر می‌رسد می‌توان سرمایه‌گذاران در حوزه پتروشیمی را که به دلیل قیمت ارزان گاز در ایران علاقه ویژه‌ای به ایجاد واحدهای پتروشیمی گازی دارند به سوی سرمایه‌گذاری مشترک در مصر هدایت کرد تا علاوه بر بهره بردن از مزایای این سرمایه‌گذاری، به تحکیم مناسبات دو جانبه ایران و مصر نیز کمک کند.